هوالله - … در خصوص آنچه جفاکاران نسبت به اين عبد اشتهار…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ١٨٤

### هوالله

… در خصوص آنچه جفاکاران نسبت به اين عبد اشتهار داده‌اند که اين عبد را ادّعائی و يا خود دعوای مقامی در يکی از مکاتيب مرقوم انّ العبوديّة المحضة و الرّقّية البحتة فی عتبة المقدّسة هی تاجی الوهّاج و اکليلی الجليل هذه منقبتی العظمی و سدرتی المنتهی و مسجدی الاقصی و جنّتی المأوی اين صريح بيان و اثر خامه و بنان اين عبد است لا ابتغی شأناً غير هذا الشّأن البديع و لا مقاماً غير مقام التّبتّل و التّضرّع العظيم از بدايت صعود تا الی‌الآن فرياد روحی لأحبّائه الفدا از لسان و بنان اين عبد در جميع آفاق منتشر و آوازه عبوديّت اين مظلوم شرق و غرب را احاطه نموده و هادم بنيان به اثر خامه و مهر خويش از کمال نادانی هر ادّعائی نموده و موجود که ميگويد قد ظهر شمس اللّه الأکبر و کلّ شمس عنده من کلّ صغير اصغر باوجود اين نعره بلند نموده که عبدالبهاء مصداق من ادّعا قبل الألف است لهذا مورد فسوف يبعث اللّه عليه من لايرحمه بايد بشود. باری الحمد للّه نفوس مقدّسه ابرار که کاشف اسرارند در نزدشان حقيقت حال آشکار اين عبد تا به حال خود را غصن اعظم نناميده بلکه عبدالبهاء خوانده نهايت شايد در موردی نادر بلکه اندر ابن البهاء از قلم جاری گشته که اين نيز نظر به حکمتهای بالغه بود والّا من خود را عبد عبيد او ميشناسم و اطوار و گفتار و کردار اين عبد شاهد اين مقال\*\*.\*\*

باری آنچه خواسته بوديد در جواب آن شخص در نفس ورقه مرقوم گرديد و ارسال گشت اين اذکار بهانه اشرار است والّا جميع ميدانند که اين عبد را نفسی و نَفَسی و هوسی جز عبوديّت آستان مقدّس نبوده و نيست به قوّه عبوديّت خدمت امر اللّه نمودم تا به نور عبوديّت آفاق روشن شد و به رائحه طيّبه گلشن عبوديّت مشام عالم معطّر گرديد اين است برهان باهر و سيف شاهر و اکليل ساطع اين عبد من شآء فليصدّق و من شآء فلينکر انّی بفضل ربّی ثابت علی هذا الصّراط المستقيم و بتأييده غنيّ عن العالمين\*\*.\*\*

بگو ای بيچارگان عبوديّت عبدالبهاء آفاق را منجذب نموده و صيت رقّيّتش جهانگير گشته و محويّت و فنايش مثل آفتاب مشهور اقطار شده قصد آن دارند اين گلپاره‌ها از حسد پوشند اين فقر و فنا هيهات هيهات عنقريب قرين ناله و حنين گردند و در خسران مبين افتند ويل للمکذّبين ثمّ ويل للمکذّبين ثمّ ويل للمکذّبين و عليک التّحيّة و الثّناء…

